



۲۰۱۷/۰۷/۰۶

عارف عباسی

## چگونه ایران پناه گزینان افغان را برای جنگ بشارالاسد استخدام می کند!

منبع: نیویارک تایمز مؤرخ ۲۰ جون ۲۰۱۷

نویسنده: علی م. لطیفی

مترجم: عارف عباسی

بامیان، افغانستان- جنگ و فقر افغان ها را چون چره های بامب به هر سوی دنیا پراکنده ساخت. ملیون ها افغان در کمپ های مهاجرین پاکستان و ایران ویا بحیث کارگر در ممالک خلیج بیشترین دوران زندگانی خود را سپری نمودند. پناه گزینی تا هنوز دوام دارد.

در طی چندسال تیر شده جغرافیای مرگباری برای افغان های تارک وطن اضافه شده که عبارت از میدان های جنگ بشارالاسد سوریه است.

دو سال پیش عبدالامین ۱۹ ساله منزلش را در دره فولادی بامیان، یکی از غربت زده ترین ولایات، به امید یافتن کاری در ایران ترک کرد. دوملیون افغان غیر قانونی و یک ملیون با موقف مهاجر قانونی در ایران زندگی می کردند. خواهر و شوهرامین در اصفهان بودند. او آرزو داشت که زندگی اش را به مقایسه روزگار بخور نمیر دهقانی زادگاه فقیرش (بامیان) بهبود بخشد.

۲/۳ مردم بامیان با عاید کمتر از ۲۵ دالر در ماه زندگی نموده فقر گسترده و نبود امکانات هزاران جوان بامیان را ناگزیر به ترک ماوا می سازد و برای یافتن کار و مزدی طور غیر قانونی رهسپار ایران می شوند و بسی چون امین آخر الامر شامل جنگ دیگران می گردند

آقای امین توانست کاری را با اجرت ناچیزی، ۲۰۰ دالر در ماه، بحیث خشت مال در یک داش خشت پزی در اصفهان دست و پا نماید. سال پارینه با پس انداز ناچیزش با جمعی از مهاجرین افغان آهنگ زیارت کربلا در عراق نمود. در شهری که حضرت حسین (رض) نواسه پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) در سال ۶۸۰ عیسوی به شهادت رسیده بود. بعد از عودت از زیارت آقای امین برای سه ماه کاری پیدا نتوانست که اکثراً مهاجرین افغان در ایران به چنین مشکل مواجه می گردند. آقای امین اهانت گردیده و مورد تبعیض قرار گرفت. او با هراس و دلهره دائمی خطر اخراج شدن می زیست. " ایران وطن ما نیست و متعلق به بیگانگان است" امین گفت " مجبوری که با قبول رنج و عذاب و شکنجه پولی پیدا کنی و یا بمیری".

زمستان گذشته مقامات ایرانی به آقای امین پیشنهادی ارائه داشتند که وی را از واهمه اخراج رهایی بخشیده و برایش اجازه اقامت ده سال و معاش ماهانه ۸۰۰ دلار تعارف نمودند، مشروط به این که به سوریه رفته برای حفاظت مرقد بی بی زینب نواسه حضرت پیامبر بجنگد.



### مهاجرین افغان از ایران در جبهه پالمیرا در سوریه

مقارن سال ۲۰۱۳ وقتی قوای نظامی بشارالاسد در برابر قوای مخالفین در شکست مواجه شد، ایران بلیون ها دلار را در سوریه فروریخت، و حزب الله را به مصاف فراخواند و از شیعیان عراق، افغانستان، پاکستان و ممالک دیگر با نفوس قابل ملاحظه شیعه قوای ملیشایی تشکیل نمود. ایران را در ظاهر اراده بر این بود که اماکن مقدسه شیعیان را در دمشق، حلب و راقا محافظت کند ولی در استفاده از ملیشه شیعیان خارجی در جنگ سوریه به سادگی انگیزه دیگری نقش داشت، نبرد وسیع در واقعیت برای اداره و توسعه نفوذ ایران در شرق میانه بود که توسط قاسم سلیمانی قوماندان پاسداران انقلاب ایران و قطعات قوت های قدس راه اندازی شده بود.

روابط سوریه و ایران از حمایت سوریه از ایران در جنگ ایران و عراق آغاز و هر دو کشور خصومت مشترک علیه اسرائیل دارند، سوریه راه اتصال انتقالات بین ایران و حزب الله در لبنان است. تمام نخایر اسلحوی دست داشته حزب الله فرستاده ایران است که از طریق سوریه صورت گرفته. حکمروایی بشارالاسد در سوریه به ایران امکانات فراهم آوری کمک های ایران را برای حزب الله فراهم ساخته و همچنان زمینه اتصالات را برای ایران در بحیره مدیترانه مساعد می گرداند.

بعد از گذشت چندماه از تقاضای ایران از حزب الله که با قوت های بشارالاسد هم رزم و هم سنگر شود، شروع با سازمان دهی ملیشه های اهل تشیع نمود. غنم ملیشه فاطمیون را از شیعیان افغانستان ایجاد نمود که در سال ۲۰۱۴ تشکیل و توسط پاسداران انقلاب و افسران حزب الله تدریس و تعلیم دیدند.

تعداد این قوت از ۸۰۰۰ تا ۱۴۰۰۰ تخمین گردیده. مقامات ایرانی ملیشه استخدام شده افغان را داوطلبان معرفی میکرد. در مراحل اولیه استخدام برای قوای فاطمیون هزاره های شیعه مذهب افغانستان بودند که بعد از اشغال افغانستان توسط شوروی، متعاقباً در اثر جنگ داخلی در اوائل ۱۹۹۰ و حکمروایی طالبان به ایران پناهنده شدند.

استخدام در ایران همگون به اقدامات پاکستان، پناه دهنده مهم و بیشترین تعداد مهاجرین افغان، در استخدام مهاجرین سنی مذهب پشتون و اولاد های بی سرپرست شان در صفوف طالبان در اواسط دهه ۹۰ بود.

در طی چند سال اخیر، ایرانی ها استخدام مهاجرین غیر قانونی افغانستان را توسعه بخشیدند، مانند امین که تازه از افغانستان برای پیدا کردن امکانات اقتصادی آمده بود، علاوه بر هیجانان اقتصادی و حالت متزلزل و بحرانی قانونیت بود و باش شان، ایرانی ها عقیده مذهبی مهاجرین افغان را مورد استثمار و بهره برداری قرار دادند که آنها را استخدام نموده در جنگ اسد در سوریه سوق دادند.

تبلیغات ایرانی ها به این مهاجرین جلوه دادن این جنگ بحیث یک مبارزه برای صیانت عقیده و اماکن مقدسه شیعیان است. به قول محقق از سازمان نظارت بر حقوق بشر به نام شجاع " این مهاجرین اندک ترین فهم و دانش محتوای وسیع و پنهانی سیاسی و امنیتی را نداشتند که ایشان اصلاً برای آن می جنگند "

" ایشان عربی نمی دانند و اکثریت شان از افغانستان و ایران پا بیرون نه نهاده اند و اکثریت محروم سواد بوده ولی در عین حال شیعیان راسخ العقیده اند."

بطور مثال آقای امین به این باور بود که جنگ سوریه در اثر منازعه بین جهادست های جبهه نصره (که رسماً در سال ۲۰۱۲ تشکیل شده بود) و بشارالاسد آغاز گردیده، به وی فهمانده شده بود که دلیل وقوع جنگ خواست رهبر جبهه نصره (که روابط فامیلی با اسد داشت) در اعمار فروشگاههای بالای یک مسجد بود، مگر اسد علوی المذهب برای جلوگیری از این اقدام و دفاع از مسجد و محافظت سائر اماکن مقدس اهل تشیع و بالاخص زیارت ها در کشورتلاش نمود و برحسب گفتار امین رهبر نصره از بین رفتن اسد و تخریب زیارت ها را اعلام داشت.

پاسداران انقلاب ایران امین و استخدام شدگان قوت فاطمیون افغان را برای یک ماه در امور کاربرد اسلحه و تاکتیک های محاروبی تربیه نمود. جمعیتی بحیث نشان زن؛ و عده ای بحیث افراد تانک تربیه شده به سوریه پرواز داده شده در خط های مقدم جبهات جنگ در دمشق و حلب مستقر گردیدند.

ایرانی ها و قوت های نظامی سوریه استخدام شدگان افغان را بحیث قشون مقدم موج ضربه تکان دهنده مورد استفاده قرار دادند. "ما در هر فعالیتی در خط مقدم جبهه بودیم" به قول امین. بسی خاطرات کوتاه رزمندگان فعلی و سابقه افغان در Telegram app نشر شده که مورد مطالعه آقای شجاع قرار گرفته و بازگوی خاطرات افغان هایی است که در دشوار ترین جنگ ها سوق گردیده و حاکی از تلفات سنگین در بین جنگ کننده های افغان و آخرین پیروزی بعد از حملات پیهم است.

افغان ها در جبهات دمشق، هما، لاتاکیا، دیرالزور، هومس، پالمیرا و حلب جنگیدند. در ماه نومبر و دسمبر آقای امین به شهر حلب مستقر شد، که قوای فاطمیون افغان قوت های نظامی سوریه را در تصرف مجدد نواحی شرقی شهر از دست مخالفین مدد رساندند. او و صدها جوان افغان تحت امر و قوماندان پاسداران انقلاب ایران جنگیدند. قوت های ملیشیایی خارجی اهل تشیع در تقویت رژیم اسد نقش برآزنده داشتند و قوت های مهم زمینی پیاده نظام را در محاربه فیصله کن Aleppo "حلب" فراهم نمودند و پیروزی در حلب جهت راه به نفع اسد و ایران تغییر داد و آن را با هدفی که Joshua Landis اهل خبره سوریه بیان داشت نزدیک ساخت «تحکیم و هم بستگی حلقه امنیتی ایران که از لبنان تا ایران امتداد یافته بود».

صدها افغان در جنگ ایران و اسد در سوریه کشته شدند. اجساد کشته شدگان افغان طور رسم گذشت در جاده های تهران و قم به طور نمایشی گذرانیده شد و در شمال ایران قبل از مراسم تدفین مراسم تجلیل و بزرگداشت منعقد گردید. رهبر و پیشوای ایران آیت الله خامنئی و جنرال سلیمانی از خانواده های ملیشه های کشته شده افغان در سوریه دیدن نموده از آنها بخاطر قربانی فرزندان شان در راه ننگهبانی اماکن مقدس و اسلام اظهار امتنان نمود. بعد از مجروح شدن در حلب آقای امین دوماه قبل به بامیان عودت نمود در حالیکه اجازه نامه ده سال اقامت در ایران را با خود داشت و وعده سپرده شده مسکن در ایران، ویا در سوریه بعد از جنگ، اگر آرزوی زندگی آن جا داشته باشد اکثریت هم رزمان افغان آقای امین در ایران ماندنی شدند که با ایشان از طریق تلگرام ای پی پی به تماس است. در بامیان صلح مستقر است ولی فقر حکمفرما، راه ها بطرف بامیان پر خطر است. آقای امین به زندگی قبلی دهقانی خود مراجعت نموده و به من (نویسنده) گفت می بینم که اگر روزگار یاری کرد این جا می مانم و اگر وضع بدتر شد دوباره ایران می روم و اما حالا ترسی از اخراج ندارم.

پایان



مهاجر افغان در داش خشت پاک دشت